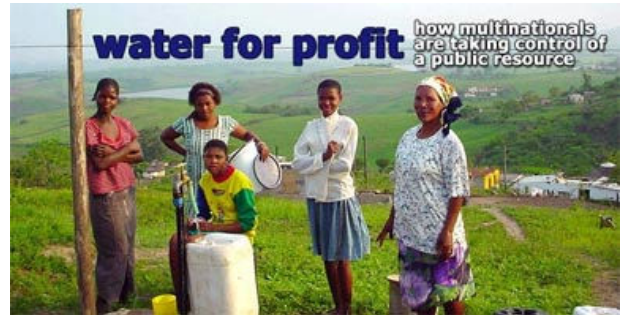


جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۵



آن مبارزه و تلاش می کنند.

و یا دولتی اداره می شوند، در وضعیت بهتری به سر می برند. در این رابطه اعتراضات مردمی بسیاری که از جانب گروه های حقوق بشری و مدافع منافع شهروندان هدایت شده اند، صورت گرفته است. از جمله، در اوایل سال ۲۰۰۴، هزاران نفر از کارگران تایلندی علیه خصوصی سازی آب توسط دولت دست به اعتراض زدند. در مالزی ۲۶ گروه با تشکیل یک ائتلاف اقدام به مبارزه ای جدی علیه خصوصی سازی آب و اهداف آتی این برنامه کردند.

خانم مانهاتن برای حل مشکل خصوصی سازی مدل پورتو الگره در برزیل را پیشنهاد می کند. در این منطقه که پیشتر خدمات آب رسانی خصوصی بود، آب به خدمت عمومی گرفته شده است. برای تعیین بودجه آب، مردم پورتو الگره در گردهماییهایی که برگزار می کنند، پیرامون این امر که سرمایه گذارهای شهرداری در چه جایی صورت بگیرد، تصمیم می گیرند. بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶، شمار خانواده هایی که به آب دسترسی داشتند، از ۸۰ درصد به ۹۸ درصد رسید و درصد جمعیتی که از سیستم فاضلاب شهر استفاده می کنند، از ۴۶ درصد به ۸۵ درصد افزایش یافت.

در ده سال اخیر، ۳ کمپانی بزرگ جهانی بطور پنهانی کنترل آب مورد مصرف نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر از مردم جهان را که در گوشه کنار پنج قاره جهان زندگی می کنند، به دست گرفته اند. یک بررسی که در عرض یک سال از جانب مرکزی به نام کنسرسیوم بین المللی ژورنالیستهای محقق از کانادا، ایالات متحده آمریکا، اروپا، آسیا و آمریکای لاتین صورت گرفته، نتایج سوال انگیز و یا فاجعه باری را ارائه کرده است. این گزارش، حاوی مدارکی است که بیانگر چگونگی به کارگیری ترفند های تشویق کننده از سوی کمپانیهای بزرگ جهت ترغیب مراکز دولتی آمریکا و کانادا که در رساندن آب به مردم موفق بوده اند می باشد.

در سال ۱۹۹۹، پرودی ریاست کمیسیون اروپا را عهده دار شد که این به مدت ۵ سال طول کشید. طی این دوره، اتحادیه اروپا به سمت شرق گسترش یافت و قانون اساسی آن حق سرمایه داران و طبقه ممتاز را از حساب زحمتکشان به رسمیت شناخت.

در ششمین کنگره PRC، آقای پرودی شخصا حضور داشت. او ضمن ابراز خوشحالی از چرخش این حزب به سوی خود گفت: "بریتینوتی حزب خودش را به مثابه یک حزب رفرمیست که مایل است در پارلمان اکثریت رفرمیست شرکت کند به خوبی نمایندگی کرده و این به احتمال آغازی برای همکاری بیشتر با یکدیگر در آینده است."

قابل ذکر است که آقای بریتینوتی که برای پنجمین بار به ریاست PRC انتخاب می شد، امر ائتلاف با پرودی را با پافشاری و در حالی که با مخالفت زیادی در درون حزب روبرو شده بود، پیش برد. او ادعا کرد، کنار گذاشتن برلوسکی در حال حاضر مهمترین هدف است و بر سایر اهداف حزب تقدم دارد. وی تاکید کرد: "کسانی که حاضر نیستند به این هدف یاری رسانند، در آینده از صحنه سیاسی محو گشته و ارتباط با توده ها را از دست خواهند داد."

البته در دنیای سیاست این نظر حرف تازه ای نیست. بارها این بحث که برای رهایی از شر بزرگ توسل به شر کوچکتر مشروع است، مطرح شده است. راه ساده تری که در برابر راهکار پیشبرد مقاومت و مبارزه توده ها برای برقراری شرایطی دیگر که پاسخگوی خواسته های آزادی خواهانه و عدالت طلبانه آنها باشد، پیشنهاد می شود.

پشتوانه سیاسی پرودی و احزابی که از او حمایت می کنند جای شکی باقی نمی گذارد که جایجایی برلوسکونی با پرودی صحنه سیاسی ایتالیا را بطور چشمگیری تغییر نخواهد داد. این دو بیشتر تفاوت های سطحی دارند تا ریشه ای. پرودی همواره از صنایع سنتی بزرگ حمایت کرده و با همکاری اتحادیه های کارورزان به طبقه کارگر یورش آورده است. برلوسکونی نیز در جبهه راست، در اطراف خود آنانی را پروراند که با جهانی سازی به ثروت، قدرت و نفوذ چشمگیری دست یافته اند. در حقیقت، برلوسکونی در مسیر راضی نگاه داشتن آمریکا و پرودی در جهت قدرت بخشیدن به امپریالیستهای اروپایی فعالیت می کنند.

بریتینوتی ادعا می کند که بازگشت پرودی به دولت، عصر جدیدی از رفرمهای اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. این بدان دلیل واقعیت ندارد که گذشته پرودی در اولین دوره ریاست دولت خلاف آن را ثابت کرده است. همزمان، این ادعا با واقعیت های در جریان اروپاییان و شرایط بین المللی در

تضاد است. جنگ عراق و تضاد بین اروپا و آمریکا بر بحرانهای اقتصادی افزوده گشته است. فشار بر کارگران و مزد بگیران در سراسر اروپا رو به رشد بوده است. در صحنه داخلی، سوسیال دمکراتها و دولت محافظه کار به دستاوردهای اجتماعی و حقوق دمکراتیک جامعه یورش برده اند. از این رو، دولت جدید پرودی به نسبت دولت نخستین وی، گرایش بیشتری به راست خواهد داشت. حزب احیا کمونیستی نیز در مصوبات کنگره خود، پیروی از همین روند را به نمایش گذاشت. به عنوان مثال، با اینکه به خروج سربازان ایتالیایی از عراق رای داده شد اما همزمان با جایگزینی نیروهای اشغال گر ایتالیا با نیروهای سازمان ملل موافقت گردید. این بدین معناست که سربازان ایتالیایی در عراق باقی می ماند و تنها رنگ کلاه آنها تغییر خواهد کرد!

از سوی دیگر، درخواست اقلیت مبنی بر درج ماده ای مبنی بر لزوم پیگیری حزب در زمینه افزایش ناچیزی در مُد ها و متناسب کردن آن با افزایش قیمتها در برنامه حزب، توسط کنگره رد شد. این برنامه که به Scala Mobile مشهور است (افزایش مزد بر پایه افزایش قیمتها)، در نخستین دولت پرودی کاملاً حذف شده بود.

برنامه پیشنهادی بریتینوتی با ۶۰ درصد آرای مورد نیاز تصویب گشت. انتخاب مجدد او نیز به همین میزان بود. ۴۰ درصد باقیمانده، به ۴ گرایش تقسیم شدند. بزرگترین گرایش که ناشر مجله "ارنستو چه گوارا" است، خواستار شرکت در دولت اما مباحثه در باره برنامه های دولتی پیش از آن و قرار دادن پیش شرطهایی در این زمینه بود. ۳ بخش دیگر مخالف این ائتلاف بودند. ۳ گروه مزبور که خود را تروتسکیست می دانند، سالها در حزب احیا فعالیت داشته اند. سخنگویان این گروهها تا حد شدت با تصمیم حزب به مخالفت پرداختند. مارکو فراندو، سخنگوی پروگتو کمونیستا، بدرستی آینده ائتلاف حزب احیا کمونیستی ایتالیا با پرودی و ائتلاف شاخه زیتون را تشریح کرد. او گفت: "این ائتلاف شکل تازه تفاهم سیاسی بین لیبرالیسم و سوسیال دمکراسی است. نتیجه آنکه لیبرالها (نماینده بورژوازی) دولت را رهبری کرده، برنامه و کاراکتر آن رامی سازند و به سوسیال دمکراتها مهربانی می دهند تا آنها جنبشهای کارگری را کنترل کرده و به اصطلاح "صلح اجتماعی" را برقرار کنند."